بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای حقوق تجارت

مؤلف: دکتر مجید قربانی لاچوانی

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعت نفت

انتشارات چتر دانش- ۱۳۹۷

سرشناسه	: قربانی لاچوانی، مجید، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه پرسش‌های چهار گزینه‌ای حقوق تجارت
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶ .
مشخصات ظاهری	: ۷۲۵ ص.
شابک	: ۹-۱۴۷-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: چاپ نوزدهم.
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۲۳۸۸۳

نام کتاب	: مجموعه پرسش‌های چهار گزینه‌ای حقوق تجارت
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: دکتر مجید قربانی‌لاچوانی
نوبت و سال‌چاپ	: بیست و سوم- ۱۳۹۷
شمارگان	: ۲۰۰۰
شابک	: ۹-۱۴۷-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
قیمت	: ۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ‌منیری‌جاوید(اردیبهشت‌شمالی)،پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ٦٦٤٩٢٣٢٧ - تلفن فروشگاه کتاب: ٦٦٤٠٢٣٥٣

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرف‌دارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی‌که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصّه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

مقدمه مؤلف ۹

بخش نخست: تعریف تاجر، اعمال تجارتی و تکالیف تجار ۱۴

فصل نخست: تعریف تاجر ۱۴

فصل دوم: اعمال تجارتی ۲۱

مبحث نخست: اعمال تجارتی ذاتی (مطلق یا اصلی) ۲۱

مبحث دوم: اعمال تجارتی تبعی ۲۸

فصل سوم: تکالیف تجار ۳۵

مبحث نخست: تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتی ۳۵

مبحث دوم: ثبت نام در دفتر ثبت تجارتی ۴۸

بخش دوم: قراردادهای بانام قانون تجارت ۴۹

فصل نخست: قرارداد دلالی ۴۹

مبحث نخست: ماهیت دلالی ۴۹

مبحث دوم: قوانین حاکم بر قرارداد دلالی ۵۱

مبحث سوم: آثار قرارداد دلالی ۵۳

گفتار نخست: حقوق دلال ۵۳

گفتار دوم: تعهدات دلال ۶۱

فصل دوم: قرارداد حق‌العمل‌کاری (کمیسیون) ۶۸

مبحث نخست: ماهیّت حق‌العمل‌کاری ۶۸

مبحث دوم: آثار قرارداد حق‌العمل‌کاری ۷۰

گفتار نخست: حقوق حق‌العمل‌کار ۷۰

گفتار دوم: تعهدات و مسئولیت‌های حق‌العمل‌کار ۷۴

فصل سوم: قرارداد حمل‌ونقل ۸۴

مبحث نخست: قوانین حاکم بر قرارداد حمل‌ونقل ۸۴

مبحث دوم: آثار قرارداد حمل‌ونقل ۸۵

گفتار نخست: حقوق متصدی ۸۵

گفتار دوم: تعهدات و مسئولیّت‌های متصدی ۸۷
فصل چهارم: ضمانت ۱۰۲
فصل پنجم: قائم‌مقامی تجارتی ۱۰۷
بخش سوم: اشخاص حقوقی ۱۰۹
فصل نخست: شخصیت حقوقی و عوارض آن ۱۰۹
فصل دوم: مؤسسات غیرتجارتی ۱۱۴
فصل سوم: شرکت‌های تجارتی ۱۱۵
مبحث نخست: اقسام شرکت‌های تجارتی، تعریف و گروه بندی آن‌ها ۱۱۵
گفتار نخست: اقسام و تعریف شرکت‌های تجارتی ۱۱۵
گفتار دوم: گروه بندی شرکت‌های تجارتی ۱۱۸
الف- شرکت‌های سرمایه، اشخاص و مختلط ۱۱۸
ب- شرکت‌های دولتی و خصوصی ۱۳۲
ج- شرکت‌های موضوعاً تجارتی و شکلاً تجارتی ۱۳۷
د- شرکت‌های تجارتی ثبت‌شده و شرکت‌های عملی ۱۳۷
مبحث دوم: تشکیل و ثبت شرکت‌های تجارتی ۱۳۹
گفتار نخست: تشکیل شرکت‌های تجارتی ۱۳۹
الف-کلیات ۱۳۹
ب-تشکیل شرکت سهامی ۱۴۵
ج- تشکیل شرکت با مسئولیت محدود ۱۶۰
د- تشکیل شرکت تضامنی ۱۶۶
هـ- تشکیل شرکت نسبی ۱۶۷
گفتار دوم: ثبت شرکت‌های تجارتی ۱۶۷
مبحث سوم: اوراق بهادار و سهم‌الشرکه‌ی شرکت‌های تجارتی ۱۷۰
گفتار نخست: اوراق بهادار ۱۷۰
الف-کلیات ۱۷۰
ب- سهام ۱۷۴
ج- اوراق قرضه و اوراق مشارکت ۱۸۸

گفتار دوم: سهم‌الشرکه ۱۹۴
مبحث چهارم: تصمیم‌گیری شرکا ۱۹۸
گفتار نخست: مجامع عمومی شرکت‌های سهامی و تعاونی ۱۹۸
الف- دعوت مجامع عمومی ۱۹۸
ب- حد نصاب رسمیت جلسات مجامع عمومی ۲۰۱
ج- صلاحیت‌های مجامع عمومی ۲۰۴
د-تصمیم‌گیری در مجامع عمومی- حق رأی و اکثریت ۲۱۰
هـ- اداره‌ی جلسه‌ی مجمع عمومی و پایان آن ۲۱۹
گفتار دوم: تصمیم‌گیری شرکا در شرکت با مسئولیت محدود و تضامنی ۲۲۲
مبحث پنجم: مدیران و مدیرعامل شرکت‌های تجارتی ۲۲۶
گفتار نخست: شرکت‌های سهامی و تعاونی ۲۲۶
الف- تصدی سمت و زوال آن ۲۲۶
ب- اختیارات مدیران و مدیرعامل ۲۴۵
ج-حقوق و تکالیف مدیران و مدیرعامل ۲۵۲
د- مسئولیت مدنی مدیران ومدیرعامل ۲۵۶
هـ- معاملات مدیران، مدیرعامل و اشخاص وابسته به آن‌ها با شرکت ۲۶۳
گفتار دوم: سایر شرکت‌های تجارتی ۲۶۸
مبحث ششم: بازرسان شرکت‌های تجارتی ۲۷۳
مبحث هفتم: تغییرات سرمایه‌ی اسمی شرکت‌های تجارتی ۲۸۰
گفتار نخست: افزایش سرمایه‌ی اسمی ۲۸۰
گفتار دوم:کاهش سرمایه‌ی اسمی ۲۹۹
مبحث هشتم:حساب‌های شرکت تجارتی ۳۱۰
مبحث نهم: انحلال و تصفیه‌ی شرکت‌های تجارتی ۳۲۲
گفتار نخست: انحلال بدون تصفیه ۳۲۲
گفتار دوم: انحلال توأم با تصفیه ۳۲۴

بخش چهارم: اسناد تجارتی ۳۵۰
فصل نخست: تعریف، انواع و امتیازات سند تجارتی..... ۳۵۰
فصل دوم: صدور سند تجارتی..... ۳۷۸
فصل سوم: قبول و نکول برات..... ۴۰۲
فصل چهارم: تاریخ تأدیه‌ی اسناد تجارتی..... ۴۱۷
فصل پنجم: انتقال و ظهرنویسی سند تجارتی..... ۴۲۱
فصل ششم: ضمانت..... ۴۴۳
فصل هفتم: تکالیف و حقوق دارنده..... ۴۵۳
مبحث نخست: تکالیف دارنده..... ۴۵۳
مبحث دوم: حقوق دارنده..... ۴۸۷
فصل هشتم: تأدیه‌ی وجه سند..... ۵۱۱
مبحث نخست: تأدیه‌ی وجه سند توسط مسئولان..... ۵۱۱
مبحث دوم: تأدیه‌ی وجه سند توسط شخص ثالث..... ۵۲۷
فصل نهم: مفقود شدن اسناد تجارتی..... ۵۲۹

بخش پنجم: ورشکستگی ۵۳۳
فصل نخست: صدور حکم ورشکستگی..... ۵۳۳
فصل دوم: مندرجات الزامی و ویژگی‌های حکم ورشکستگی..... ۵۴۷
مبحث نخست: مندرجات الزامی..... ۵۴۷
مبحث دوم: ویژگی‌های حکم ورشکستگی ۵۵۱
فصل سوم: آثار حکم ورشکستگی..... ۵۵۴
مبحث نخست: منع مداخله‌ی تاجر و انحلال شرکت تجارتی..... ۵۵۴
مبحث دوم: تعلیق دعاوی و تعقیبات فردی..... ۵۶۰
مبحث سوم: بطلان برخی اعمال و معاملات تاجر..... ۵۶۲
مبحث چهارم: حال‌شدن دیون مؤجل..... ۵۸۰
مبحث پنجم: دعاوی استرداد..... ۵۸۶
مبحث ششم: محدود شدن مدت اعمال خیار فسخ..... ۵۹۳

فصل چهارم: اجرای حکم ورشکستگی ۵۹۴
فصل پنجم: قرارداد ارفاقی..... ۶۲۵
مبحث نخست: شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی..... ۶۲۵
مبحث دوم: آثار قرارداد ارفاقی..... ۶۴۱
مبحث سوم: انحلال قرارداد ارفاقی..... ۶۴۳
فصل ششم: اعاده‌ی اعتبار ۶۴۷
مبحث نخست: انواع اعاده‌ی اعتبار ۶۴۷
مبحث دوم: شرایط اعاده‌ی اعتبار..... ۶۴۸
مبحث سوم: آثار اعاده‌ی اعتبار ۶۵۲
فصل هفتم: جرایم مرتبط با ورشکستگی..... ۶۵۲
بخش ششم: مالکیت‌های معنوی و داوری تجارتی ۶۶۱
نقد و بررسی اجمالی «ماده واحده‌ی اصلاح ماده‌ی ۲۴۱ لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۹۵»..... ۶۶۵
تحولات جدید در حقوق تجارت..... ۶۷۰
الف- افزایش شرایط قانونی تصدی سمت مدیریت یا مدیریت عاملی در شرکت های تجارتی..... ۶۷۰
ب- تجویز استفاده از ارتباطات الکترونیکی ۶۷۱
سؤالات آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۹۶..... ۶۷۳
سؤالات آزمون قضاوت شوراهای حل اختلاف ۹۶ ..... ۶۸۰
سؤالات آزمون وکالت ۹۶..... ۶۸۹
سؤالات آزمون مشاوران ۹۶..... ۶۹۷
سؤالات آزمون قضاوت ۹۶..... ۷۰۳
سؤالات آزمون دکتری حقوق خصوصی سراسری ۹۷..... ۷۱۳

به نام آنکه جان را فکرت آموخت
بازار آشفته

نگهدار اندر این آشفته‌بازار

کدین گازر از نارنج عطار

بازار آشفته در معنایِ عرفیِ کلمه، بازاری است که ورود و خروج مشارکت‌کنندگان به آن، تابع ضابطه خاصی نیست و هیچ مرجع یا دستی نامرئی قادر نیست قیمت و کیفیت عرضه و به‌طورکلی مطلوبیت بازار را برای مشتریان آن تضمین کند. بازار کتب آموزشی حقوق در حال حاضر مصداقی بارز برای آن است، دو دلیل اصلی عامل این وضعیت است:

۱-در کنار کتاب‌های پرارزشی که حاصل یک عمر مجاهدت علمی نویسندگانشان هستند در این بازار نوشته هایی یافت می‌شود که انسان بعد از نگاهی گذرا بر محتوای آن‌ها از هدر رفتن کاغذی که برای چاپشان مصرف شده دچار تأسف می‌شود. بخش قابل توجهی از کتاب‌هایی که در این بازار مورد معامله قرار می‌گیرند کتبی هستند که در مقام پاسخگویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های برگزار شده در سال‌های پیش نوشته شده‌اند، آشفتگی بازار در ارتباط با این کتاب‌ها نمود بیشتری دارد. در این حوزه به دلیل سود نسبی فعالیت و فقدان نظارت منسجم از حیث محتوا بر محصولات عرضه‌شده کتاب‌هایی با سطح کیفی به شدت نازل و در برخی موارد حاوی سخنان نسنجیده و غیرعلمی به مشتری عرضه می‌شوند. تلقی عمومی این است که چون پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های پیشین کار علمی جدی نیست، سهل است و هر شخصی که آشنایی اجمالی با کتاب‌های اصلی درس مورد نظر داشته باشد می‌تواند به این پرسش‌ها در قالب تدوین کتاب دست یازد از این رو بازار این دست کتب جولانگه اشخاصی شده که حس نامجویی خود را با تدوین کتابی برای پاسخ‌گویی به سؤالات چهارگزینه‌ای ارضا می‌کنند و این کار تمرینی است شاید برای کارهای جدی‌تر بعدی. سهل‌تر بودن پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای در قیاس با پژوهش‌های نظری تحلیلی در حقوق قابل انکار نیست ولی این امر نباید موجب عرضه کتابی حاوی پاسخ‌های نادرست شود. مضار آشفتگی بازار را خامی مشتری دو چندان می‌کند، معمولاً مشتریان کتاب‌های فوق را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که یا در مقطع کارشناسی حقوق هنوز مشغول به تحصیل هستند یا تازه تحصیل در این مقطع را به پایان برده‌اند؛ از این رو قادر به تشخیص سره از ناسره نیستند و شوق کسب نمره قبولی در آزمون همراه با تبلیغات خلاف واقعی که برای فروش برخی از این کتاب‌ها صورت می‌گیرد خوانندگان

آن‌ها را گمراه می‌کند.

۲- نحوه طرح پرسش در آزمون‌های حقوقی هم عاری از اشکال نیست، به دلیل نحوه تدوین و تنظیم قوانین در کشور همواره قوانین مصوب مراجع صلاحیت‌دار در موقع تفسیر محل بحث و اختلاف نظر بین نویسندگان حقوقی بوده‌اند برای شناخت وضعیت موجود نگاهی به تفاسیر ارایه شده برای قانون مدنی که شاهکار قانون‌گذاری در کشور محسوب می‌شود، کافی است.

در ارتباط با سایر قوانین که از حیث محتوا و شکل نگارش قطعاً وضعیت‌شان نامناسب‌تر از قانون مدنی است، اختلاف نظر بین نویسندگان شدت بیشتری دارد. وضعیت زمانی آشفته‌تر می‌شود که طراح پرسش شخصی غیر از نظریه‌پردازان تراز اول درس مورد نظر باشد که تألیفاتی شناخته شده دارند و تالیفات ایشان منبع درسی در دوره‌های آموزشی کارشناسی است. در این وضعیت معمولا طراح پرسش حداقل در برخی سؤال‌ها رویکرد خود در خصوص تفسیر قانون مورد نظر را مبنا قرار می‌دهد و پرسش و پاسخ مثبت آن براین اساس طرح می‌شود؛ درحالی‌که برای بسیاری از شرکت‌کنندگان در آزمون جز آن‌هایی که فرصت اطلاع یافتن از دیدگاه فرد مورد نظر یافته‌اند اصلا امکان آشنایی با نظر او فراهم نشده است، حال وضعیت دانشجو یا دانش آموخته‌ای را در نظر بگیریم که وقت گران‌بها و توان خود را برای مدتی قابل توجه صرف آمادگی برای امتحان کرده و حجم قابل توجهی از اطلاعات و نظریه‌های دست اول را در ذهن خود انباشته ولی در آزمون با پرسش هایی نامتعارف روبرو شده است. پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی سطح کیفی کتاب‌های تنظیم‌شده به‌عنوان پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای را هم تقلیل می‌دهد؛ زیرا در برخی موارد به دلیل مبهم بودن پرسش، انتخاب پاسخ مناسب آن دشوار است در نتیجه نویسنده دست به انتخابی نادرست می‌زند، در مواردی هیچ‌یک از گزینه‌ها پاسخ درست پرسش نیستند و نویسنده بدون توجه به این نکته و با این فرض که حتماً سؤال باید یک گزینه درست داشته باشد یکی از آن‌ها را برگزیده است.

آسیب‌های ناشی از این وضعیت بسیار است و بحث‌وبررسی در مورد آن به مجالی وسیع‌تر نیاز دارد. به هر حال برخوردهایی که در سالیان تدریس این درس بعد از امتحان با دانشجویان داشته‌ام همواره توأم با گلایه‌هایی از طرز طرح پرسش و لزوم چاه‌اندیشی سریع از سوی مراجع صلاحیت‌دار در این خصوص بوده است. اقدام برای سامان دادن به این وضعیت برکات و آثار مطلوب فراوانی دارد بدون اینکه هزینه‌ای بر آن مترتب باشد. عدم نیاز به هزینه‌ای قابل توجه برای اجرای این طرح انسان را از تأخیر در اقدام مؤثر برای به سامان کردن این بازار آشفته دچار

حیرت می‌کند حداقل اثر مثبت این اقدام میمون افزودن بر انگیزه جوانان برای تلاش بیشتر و با برنامه برای بالا بردن سطح دانش و معلومات خویش است و علاوه بر آن بدبینی نسبت به آزمون‌ها را رفع می‌کند، از همه مهم‌تر اینکه برگزاری آزمون به رسالت واقعی خود یعنی سنجش دانش شرکت‌کنندگان و برگزیدن بهترین‌ها نزدیک می‌شود.

برای رسیدن به مطلوب اقدامات متعددی باید انجام شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر هستند:

۱- شناسایی و پذیرش آسیب‌های موجود در آزمون‌های طرح شده بعد از نظر سنجی از صاحب نظران این امر که باید متشکل از حقوقدان‌ها و متخصصان آموزش و سنجش باشد

۲- تدوین دستورالعملی برای نحوه طرح پرسش‌ها و بودجه‌بندی هر یک از مباحث ازحیث تعداد پرسش‌ها

۳- طرح پرسش از منابعی مشخص و از پیش اعلام شده به نحوی که داوطلب بتواند با آشنایی قبلی از منابع مورد نظر ولو آنکه مفصل و گسترده باشند، برای آزمون خود را آماده کند.

بهترین فرصتی که خداوند رحمان ممکن است به شخصی که به یاد گرفتن علاقه دارد عطا کند، فرصت معلمی است این فرصت بدون اینکه شایستگی آن‌را داشته باشم از سر لطف به‌نحوی شایسته و قابل‌توجه در ده سال گذشته در اختیار من قرار گرفته است، در این مدت که بخش عمده‌ای از آن صرف تدریس حقوق تجارت شده نکات در خوری در خصوص نحوه تدریس این درس عایدم شد. در دوره‌هایی که برای آموزش حقوق تجارت برای آمادگی آزمون‌های کارشناسی ارشد، ورود به دوره کارآموزی وکالت، قضاوت یا سردفتری برگزار شده همواره یکی از نکاتی که بر آن تأکید می‌کنم ضرورت رجوع دانشجو به پرسش‌هایی است که در آزمون‌های گذشته طرح شده است این کار اگر با هدف آشنا شدن با نحوه طرح پرسش در آزمون صورت گیرد مزیت‌های متعددی دارد از جمله اینکه دانشجو با روش طرح‌شدن سؤال از آنچه در کلاس آموخته است آشنا می‌شود و نیز می‌تواند درصد یادگیری خود را بسنجد. با وجود این یکی از دغدغه‌های مطرح دانشجویان مطابقت نداشتن پاسخ برخی از پرسش‌های طرح‌شده با مطالب عنوان‌شده در کلاس بود. این اختلاف با توجه به دلایل پیش‌گفته امری کاملاً طبیعی و قابل درک است، ولی آموزش را دشوار می‌کند، زیرا دانشجو می‌ماند که آنچه در کلاس یاد گرفته درست است یا آنچه که به‌عنوان پاسخ در کتاب مورد نظر ارایه شده. برای غلبه براین دشواری مجموعه حاضر تهیه و تنظیم شده است. این مجموعه متضمن پرسش‌های طرح‌شده برای درس حقوق تجارت در آزمون‌های ورودی دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه‌های دولتی و آزاد، آزمون ورودی دوره دکتری

حقوق خصوصی دانشگاه‌های دولتی و آزمون اخذ پروانه کارآموزی وکالت است. برای سهولت یادگیری و استفاده مناسب از مطالب کتاب پرسش‌ها به صورت موضوعی طبقه‌بندی شده‌اند و در تنظیم پاسخ پرسش‌ها همواره تلاش کرده‌ام که مبانی و دلایل نظری پاسخ برگزیده را توضیح دهم مگر در مواردی که به دلیل سادگی بیش از حد پرسش و وضوح پاسخ آن، به استدلال نیاز نبوده است. این کوشش واقعاً ناقابل را به پاس اعتمادی که به من روا داشتند تقدیم می‌کنم به همه دانشجویانی که به امید قبولی در آزمون‌ها وقت خود را به من سپردند و نتوانستم آن‌ها را به خاطر ضعف دانش خود به هدف مطلوب برسانم و باید به‌طور ویژه تشکر کنم از دوست فاضلم جناب آقای **دکتر محمدباقر قربانوند** که برای شناخت رویه قضایی موجود نزد محاکم در خصوص نکات مورد اختلاف، از دانش ایشان فراوان بهره بردم.

و سخن آخر...

درین بازار اگر سودیست با درویش خرسند است

خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

مجید قربانی لاچوانی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

علائم اختصاری

ق.ت.	قانون تجارت
ل.ا.ق.ت.	لایحهٔ قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت
ق.ص.چ.	قانون صدور چک
ق.ت.ا.و.	قانون ادارهٔ تصفیهٔ امور ورشکستگی
ق.ث.ش.	قانون راجع به ثبت شرکت‌ها

بخش نخست: تعریف تاجر، اعمال تجارتی و تکالیف تجار

فصل نخست: تعریف تاجر

۱- کدام‌یک از اشخاص زیر تاجر محسوب نمی‌شود؟ (ارشد سراسری-۷۸)

الف) حق‌العمل‌کار ب) دلال

ج) عامل د) قائم‌مقام تجارتی

گزینه‌ی «د» درست است. تعریف تاجر در ماده‌ی ۱ قانون تجارت بیان شده است. در این تعریف، قانون‌گذار معیار تشخیص تاجر از غیرتاجر را موضوعِ شغلِ معمول او تعیین کرده‌است. اگر موضوع شغل معمولِ شخص از اعمالِ تجارتیِ ذاتی باشد که در ماده‌ی ۲ قانون تجارت بیان شده‌اند، تاجر و در غیراین صورت غیرتاجر است. از اعمال مندرج در پرسش فوق، حق‌العمل‌کاری، دلالی و عاملی، طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عملِ تجارتیِ ذاتی هستند. قائم‌مقامی تجارتی در این ماده جزءِ اعمال تجارتی قلمداد نشده است؛ درنتیجه قائم‌مقام تجارتی، تاجر نیست.

۲- کدام‌یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟ (وکالت-۸۷)

الف) دلال ب) حق‌العمل‌کار

ج) کسبه‌ی جزء د) قائم‌مقام تجارتی

گزینه‌ی «د» درست است. کسبه‌ی جزء، تاجرند ولی از تکالیف تجار معاف شده‌اند.

۳- کدام‌یک از اشخاص ذیل تاجر نیستند؟ (ارشد آزاد-۸۹)

الف) مدیرعامل یک شرکت تضامنی ب) کارگزار بورس

ج) بیمه‌گر د) انبار عمومی

گزینه‌ی «الف» درست است. کارگزار بورس، حق‌العمل‌کار است؛ درنتیجه، شغل معمول او طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عملِ تجارتیِ ذاتی است. افزون‌براین، طبق بند ۱۳ ماده‌ی ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ و سایر مقررات حاکم بر فعالیت کارگزاران، فعالیت کارگزاری باید در قالب شرکت تجارتی انجام شود و کلیه‌ی شرکت‌های تجارتی تاجرند. عملیات بیمه طبق بند ۹ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عمل ذاتاً تجارتی است و بیمه‌گر که شغل معمول خود را این عملیات قرار داده، براساس ماده‌ی ۱ این قانون تاجر است؛ علاوه بر این،

براساس ماده‌ی ۳۱ قانون تأسیس بیمه‌ی مرکزی ایران و بیمه‌گری عملیات بیمه در ایران، باید به‌وسیله‌ی شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه‌ی سهام آن‌ها بانام است و با رعایت مقررات به ثبت رسیده‌اند، انجام گیرد. طبق ماده‌ی ۱ تصویب‌نامه‌ی قانونی تأسیس انبارهای عمومی، انبار عمومی، مؤسسه‌ای است بازرگانی که با رعایت مقررات به‌صورت شرکت سهامی تأسیس‌شده و به ثبت رسیده است.

۴- عامل کسی است که: **(ارشد سراسری-۷۳)**

الف) به‌نام و به‌حساب خود معامله انجام می‌دهد.

ب) به‌نام خود ولی به‌حساب دیگری معامله انجام می‌دهد.

ج) به‌دستور دیگری معامله انجام می‌دهد.

د) واسطه‌ی انجام معامله قرار می‌گیرد.

گزینه‌ی «ج» درست است. در بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عاملیّت در کنار دلالی و حق‌العمل‌کاری از اعمالِ تجارتیِ ذاتی قلمداد شده است. باوجوداین، قانون‌گذار برخلاف دلالی و حق‌العمل‌کاری، عاملیّت را تعریف نکرده است. عامل مانند وکیل به‌نام و حساب دیگری معامله می‌کند؛ درنتیجه، تعهدات ناشی از قراردادهایی که عامل برای دیگری منعقد می‌کند به‌عهده‌ی اصیل است.

۵- کدام عبارت صحیح است؟ **(وکالت-۹۱)**

الف) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند و مشمول مقررات ورشکستگی نیز هستند.

ب) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند؛ اما از شمول مقررات ورشکستگی خارج هستند.

ج) شرکت‌های تضامنی، تاجر نیستند؛ اما شرکت‌های تضامنی که موضوع آن‌ها تجاری است، مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

د) شرکت‌های تضامنی تاجر نیستند و از شمول مقررات ورشکستگی نیز خارج هستند.

گزینه‌ی «الف» درست است. کلیه‌ی شرکت‌های تجارتی از جمله شرکت تضامنی تاجرند و مشمول مقررات ورشکستگی هستند. شمول مقررات ورشکستگی بر شرکت‌های تجارتی به‌صراحت در ماده‌ی ۴۱۲ قانون تجارت بیان شده است.

۶- مدیران شرکت‌های تجاری: **(ارشد سراسری-۸۵)**

الف) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به‌نام خود عمل می‌کنند.

ب) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به‌نام دیگری و به‌حساب دیگری عمل می‌کنند.

ج) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به‌نام خود و به‌حساب خود عمل می‌کنند.

د) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به‌نام خود و به‌حساب دیگری عمل می‌کنند.

گزینه‌ی «ب» درست است. مدیران و مدیرعاملِ هیچ‌یک از شرکت‌های تجارتی، تاجر محسوب

نمی‌شوند؛ مگر اینکه غیر از تصدی این سِمت‌ها شغل معمولشان عملِ تجارتیِ ذاتی باشد؛ مانند اینکه، عضو هیئت‌مدیره‌ی شرکت سهامی، علاوه بر این سِمت، به‌حساب خود به شغل دلالی یا حق‌العمل‌کاری نیز اشتغال داشته باشد. دلیل تاجر محسوب نشدن مدیران و مدیرعامل شرکت‌های تجارتی این است که اشخاص مذکور در مقام تصدی سمت مدیریت، اَعمال تجارتی را به‌نام و حساب شرکت انجام می‌دهند؛ درحالی‌که تاجر، به شخصی اطلاق می‌شود که اَعمال تجارتی را به‌حساب خود، شغل معمول خویش قرار دهد؛ افزون‌براین، مدیریت شرکت تجارتی در ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمالِ تجارتیِ ذاتی قلمداد نشده است.

۷- مدیران شرکت‌های تجاری: **(ارشد آزاد-۹۰)**

الف) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به‌نام خود عمل می‌کنند.

ب) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به‌نام دیگری عمل می‌کنند.

ج) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به‌نام خود و به‌حساب خود عمل می‌کنند.

د) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به‌نام خود و به‌حساب دیگری عمل می‌کنند.

گزینه‌ی «ب» درست است.

۸- در عقد مضاربه: **(ارشد سراسری-۸۰)**

الف) حِصّه‌ی معینی از سرمایه به‌عنوان سود به مالک پرداخت می‌شود.

ب) سود به‌نسبت سرمایه بین مالک و مضارب تقسیم می‌شود.

ج) مالک و مضارب، تاجر محسوب می‌شوند.

د) مضارب، تاجر محسوب می‌شود.

گزینه‌ی «د» درست است. طبق ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدنی «مضاربه عقدی است که به‌موجب آن، احدِ متعاملین سرمایه می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می‌شود».

مضارب باید با سرمایه‌ی مالک اعمالِ تجارتیِ ذاتی موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت را انجام دهد، مضارب این اعمال را به‌نام خود انجام می‌دهد نه به‌عنوان وکیل مالک؛ باوجوداین، در سود حاصل از فعالیت، مالک و مضارب به‌نسبت مورد توافق به‌صورت مشاع شریک‌اند. با توجه به‌مراتب فوق، شخصی که در عقد مضاربه، به تجارت اشتغال پیدا می‌کند مضارب است. مالک در انجام تجارت موردنظر دخالتی ندارد و صرفاً درنتیجه‌ی حاصل از آن سهیم است. اگر مضارب، تجارت مورد توافق را به‌نحوی انجام دهد که عرفاً بتوان آن‌را شغل او دانست تاجر قلمداد خواهد شد. چنانچه قائل بر شمول حکم ماده‌ی ۲۲۰ قانون تجارت بر عقد مضاربه باشیم، مالک و مضارب، هیچ‌یک تاجر محسوب نخواهند شد، چون در این صورت مضاربه در قالب شرکت تضامنی شخصیت حقوقی مستقل پیدا می‌کند. مضارب و مالک هردو شریک این شرکت می‌شوند و مدیریت شرکت

نیز با مضارب است. نفس شراکت در شرکت‌های تجارتی و تصدی سمت مدیریت در آن‌ها موجب تاجر شناخته‌شدن شخص نمی‌شود.

۹- شخصی که به‌عنوان مدیر یک فروشگاه فرش فعالیت و علاوه بر دریافت حقوق، پنج درصد از سود سالانه فروشگاه را نیز دریافت می‌کند: (دکتری آزاد-۹۵)

الف) نسبت به درآمد حاصل از سود سالانه تاجر است.

ب) تاجر است.

ج) چنانچه سود سالانه بیشتر از حقوق سالانه‌اش باشد تاجر است.

د) تاجر نیست.

گزینه‌ی «د» درست است. تاجر به کسی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتی ذاتی را به‌حساب خود، شغلِ معمول خویش قرار داده باشد. در فرض مورد پرسش، مدیر فروشگاه در مقام نماینده‌ی دیگری، به نام و از طرف اصیل تجارت می‌کند. تعهدات ناشی از قراردادهای منعقدشده توسط مدیر را، مالک فروشگاه باید اجرا کند. اینکه مقرر شده است، نماینده درصدی از سود سالانه‌ی تجارت را به‌عنوان پاداش دریافت کند، سبب نمی‌شود که جایگاه نماینده تغییر یابد و به اصیل بدل شود. مدیر فروشگاه با وجود توافق فوق، همچنان نماینده است و نمایندگان مثل مدیران عامل شرکت‌های تجارتی، قائم‌مقامان تجارتی و غیره که تجارت را برای شخص دیگری انجام می‌دهند، تاجر نیستند.

۱۰- تاجری فوت نموده و تمام مال‌التجاره‌ی وی به فرزندش که صغیراست، به ارث رسیده و اموال مزبور توسط قیّم اداره می‌شود. در اینجا چه کسی تاجر محسوب می‌شود؟ (ارشد آزاد-۸۹)

الف) صغیر ب) قیّم

ج) نه صغیرو نه قیّم تاجر محسوب نمی‌شوند. د) هردو

گزینه‌ی «ج» درست است. تاجر به شخصی اطلاق می‌شود که اعمالِ تجارتیِ ذاتی را به‌حساب خود، شغلِ معمول خود قرار دهد؛ در جایی که شخصی به نمایندگی از دیگری به تجارت اشتغال دارد، تاجر، شخصی است که اعمال به‌حساب او انجام می‌شود نه شخص نماینده؛ به‌شرط آنکه اصیل، اهلیّت داشته باشد. اگر نماینده، تجارت را به‌حساب محجور انجام دهد، محجور به‌دلیل نداشتن اهلیّت قانونی، تاجر شناخته نمی‌شود؛ درنتیجه، در فرض مورد سؤال، نه قیّم تاجر است و نه محجور.

۱۱- کارمند دولت که در خارج از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد: (وکالت-۸۱)

الف) تاجر محسوب می‌شود.

ب) به‌هیچ‌وجه تاجر محسوب نمی‌شود.

ج) درصورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت شغل اصلی او باشد.
د) درصورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت با شغل اصلی او منافات نداشته باشد.
گزینه‌ی «الف» درست است. کارمندان دولت به‌صورت کلی از تجارت منع نشده‌اند؛ درنتیجه، اصولاً می‌توانند در کنار شغل دولتی تجارت کنند. در این صورت، اگر عرفاً تجارت شغل آن‌ها قلمداد شود، تاجر و مشمول مقررات حاکم بر تجارند.

۱۲- دلال درصورتی تاجر محسوب می‌شود که: (ارشد سراسری-۷۲)

الف) از اداره یا سازمان ذی‌ربط پرونده‌ی دلالی اخذ کرده باشد.
ب) در رشته‌ی واحدی فعالیت داشته باشد.
ج) به کار دلالی به‌عنوان شغل معمولی پرداخته باشد.
د) شغل دلالی را در قالب بنگاه یا مؤسسه انجام داده باشد.
گزینه‌ی «ج» درست است. طبق ماده‌ی ۱ قانون راجع به دلالان، تصدی به هر قِسم دلالی منوط است به اخذ پروانه از مراجع صلاحیت‌دار. شخصی که بدون پروانه به دلالی تصدی کند، براساس ماده‌ی ۹ این قانون مجرم است و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. باوجوداین، تصدی به دلالی بدون پروانه مانع تاجر شناخته‌شدن شخص نیست. در ماده‌ی ۱ قانون فوق، تصدی به دلالی منوط به اخذ پروانه شده است. مقصود از تصدی، اشتغال به دلالی همراه با ایجاد بنگاه است؛ درنتیجه، شخصی که بدون تصدی؛ یعنی بدون ایجاد بنگاهی متشکل، به‌صورت موردی دلالی می‌کند ملزم به اخذ پروانه نیست. دلالی ماهیتاً از اعمالِ تجارتیِ ذاتی غیربنگاهی است و تجارتی قلمدادشدن آن منوط به ایجاد بنگاه برای انجام عمل نیست؛ ولی الزام به اخذ پروانه زمانی ایجاد می‌شود که شخص به دلالی تصدی کند.

۱۳- کدام‌یک از عبارات زیر در مورد اشتغال خارجیان به تجارت در ایران، صحیح است؟ (ارشد سراسری-۸۵)

الف) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران ندارند.
ب) اتباع خارجه فقط با مشارکت اتباع ایران می‌توانند به تجارت اشتغال یابند.
ج) اتباع خارجه بدون محدودیت، حق اشتغال به هر نوع تجارت در ایران دارند.
د) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند؛ مگر در زمینه‌هایی که منع خاص وجود دارد.
گزینه‌ی «د» درست است. قانون تجارت هیچ محدودیتی برای اشتغال بیگانگان به تجارت در قلمرو ایران مقرر نکرده است. ماده‌ی ۱ این قانون نیز که به تعریف تاجر اختصاص یافته، داشتن تابعیت ایرانی را برای تاجر شناخته شدن اشخاص شرط نکرده است. ماده‌ی ۹۶۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «جز در موارد ذیل، اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی مُتَمَتّع خواهند بود:

۱- در مورد حقوقی که قانون آن‌را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن‌را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲- در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوعِ تبعه‌ی خارجه آن‌را قبول نکرده

۳- در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه‌نظر جامعه‌ی ایرانی ایجاد شده باشد».

اگر حق اشتغال به تجارت را از مصادیق حقوق مدنی بدانیم طبق ماده‌ی فوق، اتباع خارجه نیز از این حق متمتع خواهند شد؛ مگر در مواردی که به دلایلی موجه، قانون‌گذار، اشتغال بیگانگان به‌عمل تجارتی خاصی را خلاف مصلحت کشور تشخیص دهد. به‌عنوان مثال، باوجوداینکه در قانون تجارت، اشتغال به دلالی، منوط به داشتن تابعیت ایرانی نشده، براساس ماده‌ی ۲ قانون راجع به دلالان مصوب ۱۳۱۷ یکی از شرایط صدور پروانه‌ی دلالی برای شخص، ایرانی بودن او است.

۱۴- داشتن دفاتر تجارتی ..... (ارشد آزاد-۸۶)

الف) ملازمه با تاجر بودن صاحب آن ندارد.

ب) به‌تنهایی دلیل تاجر بودن صاحب آن است.

ج) به‌هیچ‌وجه تاجر بودن صاحب آن‌را ثابت نمی‌کند.

د) به‌تنهایی دلیل تاجربودن صاحب آن است، به‌شرط آنکه وفق مقررات قانونی تنظیم شده باشد.

گزینه‌ی «الف» درست است. طبق تعریف ماده‌ی ۱ قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمول خود را معاملات تجارتی قرارداده است؛ بنابراین تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتی توسط شخصی که شغل معمول او تجارت نیست، مُثبِتِ تاجر بودن او نخواهد بود. از طرف دیگر، اگر شغل معمول شخص، تجارت باشد باوجوداین، دفاتر تجارتی را تنظیم و نگهداری نکند، از تکلیف قانونی خود تخلف کرده و مشمول ضمانت اجراهای آن می‌شود. این تخلف، وصفِ تاجر را از او سلب نمی‌کند، تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتی در حد اماره‌ی قضایی، بر تاجر بودنِ شخص دلالت دارد.

۱۵- کسبه‌ای که میزان فروش سالانه‌ی آن‌ها از ..... ریال تجاوز نکند، کسبه‌ی جزء محسوب می‌شوند. (ارشد آزاد-۸۳)

الف) پنجاه میلیون ب) یکصد میلیون

ج) یکصد هزار د) یکصد و بیست هزار

طبق بند ۱ ماده‌واحده‌ی نظام‌نامه ماده‌ی ۱۹ قانون تجارت مصوب ۸۰/۱۱/۱۹ گزینه‌ی «ب» درست است. در این نظام‌نامه معیارِ تشخیصِ تاجرانِ کاسبِ جزء از تاجران کاسب عمده، درآمد سالانه‌ی آن‌ها تعیین شده است. نظام‌نامه، کسبه‌ی جزء را به دو گروه تقسیم کرده است. گروه نخست عبارتند از کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آن‌ها. این گروه درصورتی کاسبِ جزء محسوب می‌شوند که درآمد سالانه‌ی آن‌ها از یکصد میلیون ریال تجاوز نکند. گروه دوم عبارتند از ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای. این گروه به‌شرطی کاسبِ جزء قلمداد

می‌شوند که درآمد سالانه‌ی آن‌ها از پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند. برای تشخیص اینکه تاجری در گروه نخست قرار دارد یا در گروه دوم، باید ماهیّت شغل او را در نظر گرفت. اگر عملِ تجارتیِ ذاتی که شخص، موضوعِ شغل خود قرار داده از اعمال خدماتی باشد تاجر در گروه دوم قرار می‌گیرد؛ در غیراین صورت، از تاجرانِ مشمولِ گروهِ نخست است. بخش عمده‌ای از اعمالِ تجارتیِ ذاتی به‌شرح مقرر در ماده‌ی ۲ قانون تجارت مانند دلالی، حق‌العمل‌کاری، تصدی به حمل‌ونقل، عملیات بیمه، عملیات بانکی، تصدی به نمایشگاه عمومی و تصدی به‌عملیات حراجی ماهیت خدماتی دارند.

۱۶- معیار تمیز کسبه‌ی جزء از سایر تجار عبارت است از: (دکتری سراسری-۹۳)

الف) میزان فروش سالانه ب) میزان سود خالص سالانه

ج) میزان سود ناخالص سالانه د) تعداد کارگران

گزینه‌ی «الف» درست است.

۱۷- کسبه‌ی جزء، ..... (وکالت-۹۰)

الف) مشمول مقررات حقوق تجارت نیستند.

ب) بازرگان به‌شمار آمده ولی از داشتن دفاتر تجاری معافند.

ج) بازرگان محسوب شده و بدون استثنا مشمول همه‌ی تکالیف تجار می‌باشند.

د) در گذشته بازرگان به‌حساب می‌آمدند، اما درحال‌حاضر، دیگر تاجر تلقی نمی‌شوند.

گزینه‌ی «ب» درست است. کسبه‌ی جزء باوجوداینکه تاجرند از تکالیف تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتی و ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتی معاف هستند و نیز طبق ماده‌ی ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مشمول مقررات ورشکستگی نیستند. ازاین‌رو، از کسبه‌ی جزء برخلاف تاجرانی که کاسب عمده محسوب می‌شوند، دادخواست اعسار پذیرفته می‌شود.

۱۸-کدام مورد درخصوص کسبه‌ی جزء صحیح است؟ (ارشد سراسری-۹۳)

الف) تاجرند، اما از شمول مقررات حاکم بر تجار خارجند.

ب) تاجر نبوده و از شمول مقررات حاکم بر تجار خارجند.

ج) تاجر نیستند، اما مشمول بعضی مقررات حاکم بر تجار هستند.

د) تاجرند، اما از شمول بعضی مقررات حاکم بر تجار خارجند.

گزینه‌ی «د» درست است. کسبه‌ی جزء، طبق قانون تجارت، تاجرند، ولی مشمول برخی مقررات حاکم بر تاجران کاسب عمده نیستند. دلیل نادرستی گزینه‌ی «الف» آن است که کاسبان جزء را به‌طور مطلق از شمول مقررات حاکم بر تاجران کاسب عمده خارج دانسته است؛ درحالی‌که این‌گونه نیست و برخی مقررات حاکم بر تجار به‌طور مشترک نسبت به کاسبان جزء و کاسبان عمده قابل اعمال هستند، قرینه‌ی موجود در قانون تجارت که بر این نظر دلالت دارد حکم

تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰ قانون است. براساس این تبصره که یکی از تکالیف قانونی تاجران را بیان کرده است: «تاجر باید کلیه‌ی مراسلات و مخابرات و صورت‌حساب‌های وارده را نیز به‌ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.» با توجه به اطلاق لفظ تاجر و نظر به اینکه کاسبانِ جزء از تکلیف مقرر در تبصره معاف نشده‌اند، تکلیف موضوع تبصره را همه‌ی تاجران اعم از کسبه‌ی جزء و کسبه‌ی عمده باید مراعات کنند.

فصل دوم: اعمال تجارتی

مبحث نخست: اعمالِ تجارتیِ ذاتی (مطلق یا اصلی)

۱۹- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به‌قصد فروش: (ارشد سراسری-۷۳)

الف) ذاتاً تجارتی است.

ب) فقط میان تجار، تجارتی است.

ج) وقتی تجارتی است که توسط تاجر انجام گرفته باشد.

د) وقتی تجارتی است که برای رفع حوایج تجارتی باشد.

گزینه‌ی «الف» درست است. اعمالِ تجارتیِ ذاتی که اعمال تجارتی مطلق و اصلی نیز نامیده شده‌اند، به اعمال مندرج در ماده‌ی ۲ قانون تجارت اطلاق می‌شود. ماده‌ی ۲ قانون تجارت، در مقام بیان تعریف تجارت و تبیین قلمرو آن در حقوق ایران است و به‌جای ارائه‌ی تعریف ماهیّتی از تجارت، آن‌را با بیان مصادیق تعریف کرده است. این ماده کاربردهای فراوانی در حقوق خصوصی دارد و قلمرو کاربرد آن منحصر به حقوق تجارت نیست؛ به‌عنوان مثال برای تعیین معنای تجارت در تعریف عقد مضاربه به‌موجب ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدنی به ماده‌ی ۲ قانون تجارت استناد شده است، یا در داوری تجاری بین‌المللی برای تعیین ماهیت تجارتی داوری، ماده‌ی ۲ قانون تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون تجارت یکی از اعمالِ تجارتیِ ذاتی را خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به‌قصد فروش یا اجاره بیان کرده است. برای اینکه عمل خرید یا تحصیل طبق این بند ذاتاً عمل تجارتی قلمداد گردد باید مال مورد معامله منقول و قصد خریدار یا تحصیل‌کننده به هنگام خرید یا تحصیل، فروش یا اجاره‌ی آن باشد. بنابراین، اگر شخص، مال منقول را به‌قصد استفاده‌ی شخصی بخرد و بعد از خرید، قصد او تغییر یابد و درصدد فروش یا اجاره‌ی مال برآید، عمل خرید ذاتاً تجارتی نیست؛ ولی اگر شرایط مندرج در ماده‌ی ۳ قانون تجارت موجود باشد، همین عمل به‌طور تبعی تجارتی قلمداد خواهد شد.

با توجه به اطلاق عبارت تحصیل در این بند لازم نیست قراردادی که موجب انتقال مالکیت مال می‌شود عقد بیع باشد؛ درنتیجه، اگر شخص، مالکیت مال را از طریق عقود معوضِ دیگری غیر از بیع، مانند صلح معوّض یا معاوضه به‌منظور فروش یا اجاره تحصیل کند، قرارداد موردنظر ذاتاً

عمل تجارتی است. خرید یا تحصیل مال غیرمنقول به‌قصد فروش یا اجاره طبق مفهوم این بند و منطوق ماده‌ی ۴ قانون تجارت ذاتاً عمل تجارتی نیست؛ درنتیجه، طبق قانون تجارت، شرکت‌هایی که موضوع فعالیت آن‌ها باید عملِ تجارتیِ ذاتی باشد، نمی‌توانند خرید یا تحصیل مال غیرمنقول را موضوع فعالیت خود قرار دهند. باوجوداین، به عقیده‌ی برخی صاحب‌نظران حقوق تجارت، ماده‌ی ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها نسبت به شرکت‌های موضوعاً تجارتی استثنائاً خرید یا تحصیل مال غیرمنقول را ذاتاً تجارتی قلمداد کرده است، البته دلالت ماده‌ی فوق بر این استنباط محل تردید است. با توجه به‌مراتب فوق، عقد بیعی را که از طریق آن خریدار مال منقولی را به‌قصد فروش یا اجاره تملک می‌کند می‌توان بیع تجارتی نامید؛ گرچه قانون تجارت به‌شرح فوق برای تفکیک بیع تجارتی از بیع غیرتجارتی ضابطه ارائه کرده، بیع تجارتی از حیث شرایط انعقاد، آثار و انحلال، تابع احکام بیع در قانون مدنی است.

۲۰- کدام‌یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟ (وکالت-۸۶)

الف) ماشینی که به‌قصد اجاره معاوضه می‌شود، عمل تجاری است.

ب) خرید چرم جهت تبدیل به کفش به‌قصد فروش تجاری نیست.

ج) هرگاه کسی قالی بخرد برای منزل خود و بعد از مدتی آن‌را بفروشد، عمل تجاری است.

د) خرید کتاب به‌قصد فروش آن، عمل تجاری است.

گزینه‌ی «ج» درست است. طبق ماده‌ی ۳ قانون تجارت گزینه‌ی «ج» درست است. اعمال مندرج درگزینه‌های «الف»، «ب» و «د»، طبق ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمالِ تجارتیِ ذاتی (اصلی) هستند.

۲۱- کدام‌یک از اعمال زیر ذاتاً تجارتی نیست؟ (ارشد سراسری-۷۷)

الف) عمل خرید مال منقول به‌قصد اجاره ب) عمل عاملی

ج) عمل صدور چک د) عمل خرید مال منقول به‌قصد فروش

گزینه‌ی «ج» درست است. طبق ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت، صدور چک، ولو آنکه از محلی به محل دیگر باشد، ذاتاً عمل تجارتی محسوب نمی‌شود.

۲۲- دلالی معاملات اموال غیرمنقول: (ارشد آزاد-۹۰)

الف) مطلقاً عمل تجارتی محسوب نمی‌شود.

ب) از اعمال تجاری ذاتی می‌باشد.

ج) چنانچه در چارچوب یک بنگاه و مؤسسه صورت پذیرد، تجارتی می‌باشد.

د) چنانچه توسط یک شرکت سهامی صورت پذیرد تجارتی می‌باشد و از جمله اعمال تجارتی تبعی محسوب می‌شود.

طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت گزینه‌ی «ج» درست است. دلالی معاملات ملکی که در بند

۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت از آن با عنوان تصدی به تسهیل معاملات ملکی یاد شده، از اعمال ذاتاً تجارتی است. این عمل، به‌شرطی ذاتاً تجارتی به‌شمار می‌آید که به‌صورت تصدی و با ایجاد بنگاه صورت گیرد.

۲۳- کدام مورد، ذاتاً تجاری نیست؟ (قضاوت-۹۲)

الف) تأسیس کارخانه‌ی تصفیه نمک

ب) دلالی اموال غیرمنقول املاک

ج) معامله‌ی برواتی بین دو نفر غیرتاجر

د) معامله‌ی مدیرعامل شرکت با مسئولیت محدود

گزینه‌ی «د» درست است. موارد مندرج در گزینه‌های «الف»، «ب» و «ج» به ترتیب براساس بندهای ۳، ۴ و ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتی ذاتی هستند.

۲۴- کدام‌یک از معاملات ذیل تجاری محسوب نمی‌شود؟ (ارشد آزاد-۹۱)

الف) معامله‌ی اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی

ب) دلالی و حق‌العمل‌کاری معامله‌ی غیرمنقول

ج) معامله‌ی غیرمنقول شرکت‌های تجاری به‌قصد ساختمان خانه به‌منظور سکونت یا فروش

د) تصدی به معامله‌ی غیرمنقول

گزینه‌ی «د» درست است. طبق ماده‌ی ۴ قانون تجارت، معاملات غیرمنقول به‌هیچ‌وجه تجارتی محسوب نمی‌شود، اعم از اینکه به‌صورت تصدی و با ایجاد بنگاه انجام شود یا بدون تصدی. دلالی و حق‌العمل‌کاری اموال غیرمنقول از اعمالِ تجارتیِ ذاتی است. دلالی معاملات غیرمنقول، مصداق تصدی به تسهیل معاملات ملکی محسوب‌شده و از این بابت ذاتاً تجارتی قلمداد می‌شود. حق‌العمل‌کاریِ معاملات ملکی نیز به‌دلیل ذاتاً تجاری‌بودنِ عملِ حق‌العمل‌کاری، تجاری است. به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران، معامله‌ی اموال غیرمنقول، توسط شرکت سهامی یا شرکت‌های دیگری که طبق ماده‌ی ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها برای ساختمان‌سازی ایجاد شده‌اند، به‌طور تبعی تجارتی‌اند.

۲۵- درصورتی‌که دعوی ناشی از معامله‌ای باشد که یک طرف آن تاجر و طرف دیگر غیرتاجر است معیار صلاحیت دادگاه بر مبنای «دعوی بازرگانی» کدام است؟ (قضاوت-۹۴)

الف) معامله نسبت به خواهان تجاری باشد. ب) معامله نسبت به خوانده تجاری باشد.

ج) موضوع معامله تجاری باشد د) هدف معامله تجاری باشد.

گزینه‌ی «د» درست است. عبارت «دعاوی بازرگانی» در ماده‌ی ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مورد استفاده قرار گرفته است، این ماده در مقام تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوای بازرگانی است. در قانون آیین دادرسی مدنی یا قانون تجارت عبارت فوق تعریف نشده است. طبق دیدگاه

غالب در دکترین حقوقی، دعوای بازرگانی دعوایی است که منشأ آن، عمل تجارتی باشد. اعمال تجارتی براساس مواد ۲ و ۳ قانون تجارت به دو گروه اعمال تجارتی ذاتی و تبعی تقسیم شده‌اند. طبق بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون تجارت، کلیه‌ی معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوایج تجارتی خود می‌کند، تبعاً تجارتی هستند؛ بنابراین، معامله‌ای که از اعمال تجارتی ذاتی نیست و بین یک تاجر و غیرتاجر منعقدشده درصورتی به‌طور تبعی تجارتی است که هدف از انعقاد آن رفع نیازهای تجارتی طرف تاجر قرارداد باشد. اگر بخواهیم در این فرض معیار تشخیص بازرگانی بودن یک دعوا را تعیین کنیم، معیار، هدف از انعقاد عقد است.

۲۶- منظور از معاملات برواتی معاملاتی است که مورد معامله‌ی آن ..... (ارشد آزاد-۸۶)

الف) بروات باشد.

ب) کالا باشد.

ج) کالا باشد، به‌شرط آنکه خریدار به‌جای وجه نقد برات بدهد.

د) کالا باشد، مشروط بر آنکه طرفین معامله تاجر باشند.

گزینه‌ی «الف» درست است. منظور از معاملات برواتی در بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، چهار عمل صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی برات است.

۲۷- منظور از معاملات برواتی در ماده‌ی ۲ قانون تجارت کدام‌یک از موارد زیر است؟ (ارشد آزاد-۹۰)

الف) صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی برات

ب) هر قراردادی که برای ایفای تعهد پول ناشی از آن برات صادر شده است.

ج) صدور، ظهرنویسی و ضمانت اسناد براتی

د) تنزیل اسناد براتی وعده‌دار

گزینه‌ی «الف» درست است.

۲۸- کدام گزینه درخصوص بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت صحیح است؟ (دکتری آزاد-۹۳)

الف) صدور، ظهرنویسی و ضمانت برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما قبولی برات، ذاتاً تجاری نیست.

ب) صدور، ظهرنویسی و قبولی برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما ضمانت برات، ذاتاً تجاری نیست.

ج) صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی برات اعمال ذاتاً تجاری است.

د) صدور و ظهرنویسی برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما ضمانت و قبولی برات ذاتاً تجاری نیست.

گزینه‌ی «ج» درست است.

۲۹- معاملات برواتی به‌عنوان اعمال تجاری ذاتی: (وکالت گیلان-۹۰)

الف) شامل برات نمی‌شود.

ب) چک را شامل نمی‌شود.

ج) همه‌ی اسناد تجاری را دربرمی‌گیرد.

د) سفته را دربرمی‌گیرد اما شامل چک و برات نمی‌شود.

گزینه‌ی «ب» درست است.

۳۰- معامله‌ی کدام سند یا اسناد ذاتاً تجارتی است؟ (ارشد سراسری-۷۴)

الف) برات و سفته ب) برات ج) سفته د) هر سه سند

گزینه‌ی «ب» درست است.

۳۱- در مورد معامله‌ی برات، سفته و چک کدام گزینه درست است؟ (ارشد سراسری-۷۳)

الف) معامله‌ی هر سه سند، تجارتی است.

ب) معامله‌ی برات ذاتاً تجارتی است.

ج) معامله‌ی چک ذاتاً تجارتی نیست، ولی معامله‌ی برات و سفته ذاتاً تجارتی است.

د) صدور سفته توسط تاجر ذاتاً تجارتی است، خواه مربوط به معامله‌ی تاجر باشد یا نباشد.

گزینه‌ی «ب» درست است. صدور، ظهرنویسی و ضمانت سفته و چک مشمول عنوان معاملات برواتی در ماده‌ی ۲ قانون تجارت نیست؛ درنتیجه، ذاتاً عمل تجارتی به‌شمار نمی‌آیند، ولی درصورت اجتماع شرایط، این اعمال به‌صورت تبعی تجارتی محسوب خواهند شد؛ به‌عنوان مثال، اگر تاجری در وجه تاجر دیگر چک صادرکند، طبق بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت عمل به‌طور تبعی تجارتی است.

۳۲- معاملات برواتی: (وکالت-۸۶)

الف) ذاتاً تجاری است. ب) مطلقاً تجاری است.

ج) وقتی بین تجار باشد تجاری است. د) گزینه‌ی «الف» و «ب» صحیح است.

گزینه‌ی «د» درست است. عملِ تجارتیِ ذاتی و مطلق مترادفند. برخی از صاحب‌نظرانِ حقوق تجارت، اعمال موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت را اعمال تجارتی مطلق نامیده‌اند، برخی نیز به این اعمال، اعمال تجارتی اصلی عنوان داده‌اند. هیچ‌یک از این عناوین در ماده‌ی ۲ مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. باوجوداین، ماده‌ی ۳۱۴، تمایل قانون‌گذار به استفاده از عبارت عملِ تجارتیِ ذاتی را نشان می‌دهد.

۳۳- صدور چک اگر ..... تجارتی است. (ارشد آزاد-۸۲)

الف) محل صدور و محل پرداخت آن در دو شهر مختلف باشد ذاتاً

ب) صادرکننده و دارنده‌ی آن هردو تاجر باشند ذاتاً

ج) معامله‌ای که از بابت آن صادرشده تجارتی باشد.

د) صادرکننده و دارنده تجار باشند.

گزینه‌ی «د» درست است. طبق ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت، عمل حقوقی صدور چک حتی اگر

محل صدور و پرداخت آن، دو محل مختلف باشد ذاتاً عمل تجارتی نیست. اعمالِ تجارتیِ ذاتی به اعمالی گفته می‌شود که در ماده‌ی ۲ قانون تجارت احصا شده‌اند و بدون توجه به اینکه طرفینِ آن تاجر باشند یا غیرتاجر، ماهیّت تجارتی دارند؛ درنتیجه، وقتی صدور چک را از شمول مصادیق اعمال ذاتاً تجارتی خارج کنیم، تاجربودن صادرکننده یا دارنده یا هردوی آن‌ها چنین وصفی به این عمل اعطا نمی‌کند؛ باوجوداین، اگر شرایط اَعمال تجارتی تبعی به‌ترتیبی که در ماده‌ی ۳ قانون تجارت بیان‌شده در عمل صدور چک وجود داشته باشد؛ این عمل به‌طور تبعی تجارتی شناخته خواهد شد. طبق بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت، اگر هردو طرف قرارداد تاجر باشند قرارداد موردنظر به‌طور تبعی تجارتی شناخته می‌شود؛ طبق مراتب فوق، اگر صادرکننده و دارنده‌ی چک، هردو تاجر باشند، عملِ صدورِ چک به‌طور تبعی وصفِ تجارتی پیدا می‌کند.

۳۴- کدام‌یک از معاملات زیر عملِ تجارتیِ ذاتی محسوب می‌شود؟ (وکالت-۷۹)

الف) تصدی به معاملات حراجی

ب) کلیه‌ی معاملات بین تجار، کسبه و صرافان بانک‌ها

ج) کلیه‌ی معاملات شرکت‌های تجارتی

د) کلیه‌ی معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می‌نماید.

طبق بند ۵ ماده‌ی ۲ قانون تجارت گزینه‌ی «الف» درست است، موارد مندرج در سایر گزینه‌ها از اعمال تجارتی تبعی هستند.

۳۵- کدام‌یک از اعمال زیر با یک‌بار انجام‌شدن تجارتی محسوب می‌شود؟

(ارشد سراسری-۷۷)

الف) حمل‌ونقل ب) حق‌العمل‌کاری

ج) حراجی د) وساطت معاملات ملکی

گزینه‌ی «ب» درست است. اعمالِ تجارتیِ ذاتی موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت براساس معیارهای مختلف به گروه‌های متفاوتی تقسیم شده‌اند. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج این اعمال، تقسیم آن‌ها به اعمالِ تجارتیِ ذاتیِ بنگاهی(تصدی) و اعمالِ تجارتیِ ذاتیِ غیربنگاهی (غیرتصدی) است. در ارتباط با مبنای این تقسیم‌بندی اختلاف‌نظر وجود دارد. به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران، عنصر تصدی، تکرار عمل است و برخی نیز تصدی را مستلزم ایجاد بنگاه و اختصاص‌دادن تجهیزات و ادواتی برای انجام عمل موردنظر می‌دانند. در ماده‌ی ۲ قانون تجارت، پنج عمل به‌شرح زیر جزء اعمالِ تجارتیِ ذاتی بنگاهی هستند:

۱- تصدی به حمل‌ونقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد؛

۲- تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیداکردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات وغیره؛